



چیستی آمریکاستیزی، چرایی و چگونگی آن در جمهوری اسلامی ایران

رضا عابدی گناباد* | فاطمه دانشور محمدزادگان** | فاطمه میری کلاه‌کج***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

چکیده

تفکر دیرینه آمریکاستیزی که ابتدا به صورت ضدیت با فرهنگ و تمدن آمریکایی و بعدها به صورت ضدیت با سیاست‌های این کشور مطرح شد، حوزه جغرافیایی مشخصی نداشت و در کشورهای زیادی بروز و شدت گرفت، اما آمریکاستیزی جمهوری اسلامی ایران بیش از هر کشور دیگری بازتاب جهانی داشته است. روابط خارجی ایران و آمریکا بعد از سرنگونی رژیم سلطنتی پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی از تعامل‌گرایی به تقابل‌گرایی و ستیزش تغییر جهت‌گیری داد؛ و علی‌رغم تغییر و تحول گفتمان‌های سیاست خارجی ایران از یکسو و تغییر در منطق سیاست خارجی آمریکا از سوی دیگر، هیچ بهبودی در کاهش ستیزش و مقابله‌جویی دو کشور صورت نگرفت. پرسش اساسی مقاله عبارت است از اینکه چرا آمریکاستیزی در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت و چگونه این ضدیت صورت می‌گیرد؟ در پاسخ به این پرسش نویسندگان سعی دارند تا ضمن تعریف و تبارشناسی آمریکاستیزی با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی پاسخی جامع و شفاف به این دو پرسش ارائه دهند. یافته‌ها نشان می‌دهد از یک سو تقابل تمدنی و ایدئولوژیک سبب نگرش و انگیزش منفی نسبت به فرهنگ و تمدن آمریکایی گردیده است و از سوی دیگر دشمنی و اقدامات خصومت‌گرایانه آمریکا، واکنش تقابل‌گرایانه را از جانب جمهوری اسلامی ایران برانگیخته است؛ اما این آمریکاستیزی از نوع غیر خشونت‌آمیز و برخاسته از اهداف انقلاب اسلامی به‌ویژه ظلم‌ستیزی در سطح منطقه-ای و جهانی بوده است.

کلیدواژه‌ها: آمریکاستیزی؛ جمهوری اسلامی ایران؛ ایدئولوژی؛ تمدن.

* مدرس دانشگاه و دانش‌آموخته دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

Reza.aabedi@yahoo.com

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

Fateme.daneshvar89@gmail.com

Fatemeh.64miri@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

مقدمه

احساسات آمریکاستیزانه محدوده زمانی و مکانی خاصی نداشته و به اشکال متفاوت و در مراحل خاصی ظهور یافته است. آمریکاستیزی می‌تواند برای دوره‌ای طولانی به صورت بالقوه باقی بماند و ناگهان به واسطه تغییر شرایط یا اجرای سیاستی فعال شود و آثاری موقتی یا بلندمدت داشته باشد. بدون شک رشد گرایش‌های آمریکاستیزانه در میان افکار عمومی ارتباط تنگاتنگی با سیاست آمریکا دارد (کاتزنشتاین و کیوهن، ۱۳۹۵: ۳۵). در پاکستان، لبنان، مصر، عربستان سعودی، سودان، اردن، فلسطین، ایران، لیبی، روسیه، چین، اندونزی، مالزی، فرانسه، اسپانیا، کره جنوبی، فیلیپین و... شاهد حضور گرایش‌های آمریکاستیزانه هستیم؛ و به‌رغم استفاده گسترده از کالاهای آمریکایی در سراسر دنیا و کمک‌های مالی آمریکا به بسیاری از کشورها، باز هم تمایلاتی مبتنی بر آمریکاستیزی در این کشورها وجود دارد. به‌ویژه در چند دهه اخیر برخی از جریان‌های چپ‌گرا و اسلام‌گرا از یک‌سو و هم‌چنین سیاست‌های غرب، نخبگان مخالف سلطه خارجی، حمایت آمریکا از اسرائیل و رشد ملی‌گرایی باعث تقویت آمریکاستیزی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا شده است (فتح، ۱۳۸۸). در این میان می‌توان از نقش پیروزی انقلاب اسلامی و احیای اسلام‌گرایی نیز به‌عنوان یکی از علل رشد آمریکاستیزی در این منطقه یاد کرد. ایران قبل از انقلاب که در نظر غرب برای پیروزی در جنگ احتمالی غرب و کمونیست می‌بایست در بلوک غرب قرار می‌گرفت، با پیروزی انقلاب اسلامی، موضعی ضدآمریکایی گرفته بود و با هرگونه سیستم امنیتی غرب در منطقه به مخالفت برخاست. به‌این ترتیب ایران به کشوری ضدامپریالیست و ضدآمریکایی تبدیل شد (متقی، ۱۳۸۷: ۲۱۰)؛ بنابراین انقلاب اسلامی ایران به نقطه عطفی در روابط ایران و آمریکا تبدیل گشت. در ارتباط با این تغییر جهت‌گیری از تعامل‌گرایی به تقابل‌گرایی و ستیزش، پرسش محوری این مقاله این‌گونه مطرح می‌شود که چرا و چگونه آمریکاستیزی در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است؟ در این مقاله با تکیه بر چارچوب نظری آمریکاستیزی به تعریف و تبارشناسی آمریکاستیزی و تاریخچه‌ای مختصر از آن در جهان پرداخته می‌شود و سپس با روش توصیفی-تحلیلی، چرایی و چگونگی آمریکاستیزی در جمهوری اسلامی ایران موردبحث قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

در رابطه با پیشینه پژوهشی این موضوع باید گفت که آمریکاستیزی جمهوری اسلامی ایران در

آثار پژوهشی یا موضوعی کم کار بوده یا به صورت بخشی فرعی از یک پژوهش نگارش یافته است. در این بخش به دو دسته از منابع مورد مطالعه اشاره می‌شود. دسته اول مربوط به بخش چارچوب نظری یعنی آمریکاستیزی می‌باشد که سه مورد از آن‌ها معرفی می‌گردد:

اُگونور^۱ در یک تقسیم‌بندی تخصصی آمریکاستیزی را در پنج شکل تعریف می‌کند: ضدیت با آمریکا در نقطه مقابل حمایت از آمریکا، گرایش ستیزه‌جویانه، واکنش و حساسیت، تعصب و تنفر و نوعی ایدئولوژی (اُگونور، ۲۰۰۷). مویزنام نیز از پنج نوع آمریکاستیزی سیاسی-اقتصادی، تاریخی، مذهبی، فرهنگی و روان‌شناختی نام می‌برد (مویزنام، ۲۰۰۳) و هم‌چنین کاتزنشتاین و کیوهن در یک تقسیم‌بندی از آمریکاستیزی به انواع آمریکاستیزی لیبرال، سوسیال، ملی‌گرا، اسلامی رادیکال، حاکمیت‌گرا، نخبگانی، تاریخی و نوستالژیک اشاره می‌کنند (کاتزنشتاین و کیوهن، ۱۳۹۵).

دسته دوم آثار مربوط به کاربردی این نظریه در جهان اسلام و از جمله جمهوری اسلامی ایران است، از جمله (فتح، ۱۳۸۸) در کتاب *آمریکاستیزی در جهان اسلام* کوشیده است با رویکردی نسبتاً علمی، پیشینه، دلایل و وضعیت فعلی آمریکاستیزی را در کشورهای اسلامی بررسی نماید. کیوان حسینی و جمعه‌زاده (۱۳۹۰) معتقدند مقوله آمریکاستیزی از خاستگاه نظری خاصی در حوزه نظریه پردازی روابط بین‌الملل برخوردار است و در جهان اسلام، دست کم از نیمه دوم قرن بیستم و تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، همواره جریان دائمی و پویا بوده که در عین حال، متناسب با شیوه تعامل آمریکا با کشورهای اسلامی شدت و ضعف داشته است. هم‌چنین عبداللہی نژاد و متقی (۱۳۹۸) در تحلیل تعارضات و تضادهای سیاسی در روابط ایران و آمریکا، ضمن بررسی انتقادی تحلیل‌های رویدادمحور، ریشه تعارضات و آمریکاستیزی جمهوری اسلامی ایران را در رویکرد غرب‌نکوهی و برخاسته از تقابل هویتی و هستی‌شناسانه می‌دانند. کراوز (۲۰۱۰) نیز با رویکرد روانشناسانه و تاریخی هم‌چون عبداللہی نژاد و متقی، به تحلیل آمریکاستیزی مدرن در ایران می‌پردازد. نویسنده با توجه به نظریه مدیریت ترور معتقد است برای درک آمریکاستیزی مدرن در ایران باید به این نکته توجه کرد که چگونه نخبگان دولتی بر روی ترس و اضطراب ایرانیان که ناشی از تاریخ نامطلوب روابط ایران با قدرت‌های خارجی بوده است سرمایه‌گذاری کردند. هم‌چنین نویسنده به تفاوت و تضاد جهان‌بینی فرهنگی و واکنش منفی آن توجه داشته است.

در این پژوهش تلاش گردیده است ضمن توجه دقیق به مقوله آمریکاستیزی و در واقع چیستی آن،

چرایی و چگونگی آمریکاستیزی در ایران بعد از انقلاب اسلامی ایران بررسی شود. در چرایی آمریکاستیزی هم به تضاد نگرش و انگیزش و هم به تعارض کنش و واکنش پرداخته می‌شود؛ زیرا از نگاه نویسندگان هر دو عامل در تقابل‌گرایی و ستیزش دخیل و مهم هستند، و در بررسی چگونگی آمریکاستیزی سعی بر آن است که با توصیف نشانگرها و مصادیق، هدف نهایی و در واقع چشم‌انداز رویکرد آمریکاستیزی در جمهوری اسلامی ایران که برخاسته از جهان‌بینی توحیدی و آرمان‌های عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه است تحلیل گردد.

چارچوب نظری: چیستی آمریکاستیزی^۱

۱- تعریف و انواع آمریکاستیزی

آمریکاستیزی تا پایان جنگ سرد از جمله مقوله‌هایی بود که به طور عمده در چارچوب مباحث ژورنالیستی بر واکنش و رفتارهای اعتراض‌آمیز برخی دولت‌ها، گروه‌های روشنفکری و گروه‌های مردمی علیه رفتار خارجی آمریکا تمرکز داشت. به دنبال تحولات دهه نود و به‌ویژه حادثه یازدهم سپتامبر، عرصه نظریه‌پردازی در این زمینه از سوی تحلیل‌گران مسائل سیاست خارجی آمریکا با استقبال مواجه شد (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). در مورد تعریف این واژه برخی بر این باورند که آمریکاستیزی عبارت است از داشتن نگرش منفی نسبت به ایالات متحده آمریکا؛ و روشن نیست که آیا این احساسات ضدآمریکایی واکنشی به دولت و سیاست‌هایش است یا اینکه نشئت گرفته از نگرش‌های بنیادگرایانه‌تر است. هم‌چنین آمریکاستیزی می‌تواند متوجه انزجار از رفاه آمریکایی و نقش مسلط این کشور در عرصه اقتصاد و جامعه جهانی باشد (کاتزنشتاین و کیوهن، ۱۳۹۵: ۲۹-۲۸). در همین راستا، این دیدگاه هم مطرح می‌شود که آمریکاستیزی یک ایدئولوژی یا نظام عقیدتی فراگیر و منسجم نیست، بلکه مجموعه‌ای از انتقادات و پیش‌دواری‌ها در ارتباط با آمریکاست که ناخواسته آمریکاستیزی نامیده شده است (اکونور، ۲۰۰۷: ۷۷). برخی دیگر نیز معتقدند آمریکاستیزی یعنی مقابله با یک فرهنگ خاص که ما آن را «فرهنگ آمریکایی» می‌نامیم؛ بنابراین آمریکایی بودن تنها به کسانی که در آمریکا متولد شده‌اند یا به بنیان‌گذاران آمریکا تعلق ندارد، بلکه به تمام کسانی اطلاق می‌شود که با این فرهنگ خاص زندگی می‌کنند و خصوصیت اصلی این فرهنگ تحمیلی بودن آن است. با این دیدگاه، مارگارت تاجر، تونی بلر، ژاک شیراک و بسیاری از رهبران کشورهای جهان سوم به

1. Anti Americanism

همان اندازه آمریکایی هستند که کلینتون و کیسینجر؛ بنابراین اساس آمریکاستیزی نیز مقابله با این فرهنگ و نظام تحمیلی است (گارودی، ۱۳۸۱). فرهنگ آمریکایی فرهنگ سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری، امپریالیسم را تولید کرد که در جهت اهداف اقتصادی و سیاسی آمریکا عمل کرده و با توسل به ابزارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی مختلف توانسته است در امور کشورهای دیگر مداخله کند و درست یک دهه بعد از فرو ریختن دیوار برلین و پایان تاریخی که فرانسیس فوکویاما قول آن را داده بود، موج جدید فعالان اجتماعی پیرامون این فکر ساده به وحدت رسیده‌اند که سرمایه‌داری بیش از حد خود جلو رفته است. محرک این جنبش، این سوءظن است که شرکت‌های بزرگ دارند محیط زیست را غارت و زندگی‌ها را نابود می‌کنند و برخلاف قولی که داده‌اند، نمی‌توانند تهدیدستان را به ثروت برسانند (کالینیکوس، ۱۳۸۶: ۱۴). تازمانی که سرمایه‌داری وجود دارد، قربانیان بی‌عدالتی خشمگین و آماده بسیج شدن علیه نیروهای مسئول مظلومیتشان خواهند بود. تا زمانی که آمریکا در صدد کنترل جهت تغییرات اجتماعی در جهان باشد، ناگزیر از تعدی به استقلال دولت‌ها و مردمان دیگر خواهد بود، که این امر به خشم و انگیزه‌های شورش‌گرایانه دامن خواهد زد (کالاهان ۱۳۸۷: ۲۱۹). باین حال برخی بر این باورند که مخالفت با سیاست‌های آمریکا، مسلماً آمریکاستیزی شناخته نمی‌شود. آشکار و منطقی‌ترین روش برای تعریف آمریکاستیزی می‌تواند مخالفت با آمریکاگرایی باشد (کراستو^۱، ۲۰۰۴: ۷). شاید تنوع و تفاوت آمریکاستیزی به واسطه وجود یک آمریکای متحول از گرایش‌ها و نظرهای مختلف است. ایالات متحده مجموعه‌ای از تنش‌ها و ناسازگاری‌هاست: شدیداً سکولار و شدیداً مذهبی، یک‌جانبه‌گرا و چندجانبه‌گراست (کاتزنشتاین و کیوهن، ۱۳۹۵: ۳۱-۳۰). زیگرید فتح با نگاهی آماری به افزایش و کاهش آمریکاستیزی در کشورهای اسلامی، این پدیده را شاخص‌سازی کرده و آن را از دیدگاه روینشتاین و اسمیت به چهار دسته واکنشی، ایدئولوژیکی، انقلابی و ابزاری تقسیم نموده است که به اعتقاد نویسنده دارای هم‌پوشانی و شباهت نیز هستند و در آن واحد ممکن است انواع آمریکاستیزی در مورد قضیه‌ای واحد رخ دهد. همچنین وی بین آمریکاستیزی، انتقاد از سیاست‌های آمریکا و در نهایت پشتیبانی از آمریکا تمایز قائل شده است (فتح، ۱۳۸۸)؛ اما در یک تقسیم‌بندی کلی، دو نوع اساسی از آمریکاستیزی وجود دارد:

الف) آمریکاستیزی خشونت‌آمیز^۲ یعنی آمریکاستیزی تروریست‌های متعصب که از آمریکا و

1. Krastev

2. Murderous Anti-Americanism

قدرتش، سیاست‌ها و ارزش‌های آن متفرد هستند و هم‌چنین متمایل به کشتن و کشته شدن به منظور آسیب رساندن به آن (آمریکا) هستند.

ب) آمریکاستیزی ملایم^۱ یا غیر خشونت‌آمیز، از سوی کسانی است که برای مبارزه علیه آمریکا به خیابان‌ها و رسانه‌ها متوسل می‌شوند، باین حال آن‌ها به دنبال نابودی آمریکا نیستند. نوع اول تنها با قدرت سخت می‌تواند سروکار داشته باشد، درحالی که نوع دوم با در نظر گرفتن استراتژی‌های مؤثر برای ضدیت با آمریکا بهتر قابل درک است (کراستو، ۲۰۰۴: ۵).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت آمریکاستیزی یا یک نگرش مخالف با فرهنگ و تمدن آمریکاست یا یک حس انزجار و خشم از بینش و رفتار آمریکایی است و یا در نهایت اقدامی عملی (ملایم یا خشونت‌بار) در واکنش به آمریکا است.

۲- تبارشناسی آمریکاستیزی

کیسر^۲ معتقد است آمریکاستیزی بر این عقیده ویژه متکی است که برخی مسائل مرتبط با آمریکا و برخی مسائل کانونی در زندگی آمریکایی به شدت اشتباه است و مابقی جهان را تهدید می‌کند که این عقیده‌ای جدید نیست؛ و همراه کننده است که آمریکاستیزی را یک کلیشه یا تعصب (تفرد بی‌جهت) بنامیم و به عبارت دیگر درحالی که عناصری از تعصب را دارد، بیشتر آفریده یک اندیشه است (کیسر، ۲۰۰۳: ۴). او در تبارشناسی این مفهوم پنج لایه را در نظر می‌گیرد. اولین لایه در تفکر علمی نیمه قرن ۱۸ یافت می‌شود که مشهور به «نظریه انحطاط یا افول» است و می‌تواند به گونه‌ای، پیش از تاریخ آمریکاستیزی تصور شود؛ زیرا اساساً قبل از پایه‌گذاری آمریکا دیده می‌شود. این نظریه بر آن است که به واسطه شرایط ویژه جوی، خصوصاً رطوبت زیاد، اوضاع زندگی در آمریکا نه تنها نامرغوب‌تر از اروپا، بلکه در شرایط نابودی قرار داشت. مشهورترین مدافع این نظریه بوفن^۳ بوده است. دومین لایه در تبارشناسی آمریکاستیزی توسط تعدادی از متفکرین رمانتیک اوایل قرن ۱۹ توسعه یافت. این متفکرین نظریه انحطاط را بر پایه نظری جدیدی قرار دادند، به این صورت که انحطاط آمریکا را نه به شرایط فیزیکی که در آمریکا وجود داشت، بلکه به عقایدی که در آمریکا شکل گرفته بود نسبت می‌دانند. آمریکایی که از خود فرهنگی نداشت و تنها به دنبال ثروت بود. سومین لایه به انتقادات قرن ۱۹ از آمریکا باز می‌گردد که آمریکا را به خاطر تأیید مسئله امتزاج (درهم آمیختگی)

1. Anti-Americanism lite

2. ceaser

3. Buffon

نژادی مورد حمله قرار داد؛ زیرا این اقدام آمریکا به زوال نظریه پاکی نژاد^۱ منجر شد. چهارمین لایه در ترسیم مفهوم آمریکاستیزی در طول دوره صنعتی شدن، در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ ایجاد شد. آمریکا در این زمان به عنوان منبع فناوری تولید انبوه و منبع شیوه و طرز فکری که این سیستم را حمایت می‌کرد، محسوب می‌شد و آمریکاکرایی به معنای مدرن‌سازی صنعت، کشاورزی، روش‌های مبادله و همچنین در معنای کلی به معنای رقابتی منحصربه‌فرد، سخت و بی‌وقفه برای کسب منفعت، ثروتمند شدن و برتری یافتن است.

در نهایت پنجمین لایه، چیزی است که مارتین هایدگر (فیلسوف) تعریف کرد. او به آمریکا به عنوان تجسم بی‌عدالتی و ظلم می‌نگریست و آمریکاکرایی را در تعریف، عصاره (مظهر) بی‌رحمی در حال ظهور دوران مدرن می‌دانست (کیسر، ۲۰۰۳: ۱۵-۴، به نقل از کیوان‌حسینی و دانشور محمدزادگان، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۴).

نگاهی به تاریخچه و جغرافیای آمریکاستیزی در جهان

اکنونور از منظر تاریخی مباحث آمریکاستیزی را شامل چهار مرحله می‌داند که عبارت‌اند از: ضد فرهنگ آمریکایی، ضد سیاست‌های آمریکایی، ضد سرمایه‌داری و در نهایت آمریکاستیزی تروریستی (اکنونور، ۲۰۰۷: ۷۸). اولین مرحله آمریکاستیزی، از تأسیس آمریکا به عنوان مستعمره اروپایی تا پایان جنگ دوم جهانی امتداد می‌یابد که در این دوره آمریکاستیزی تا حد زیادی از لحاظ فرهنگی برگرفته از انتقاداتی بود که بر اساس برتری و ارجحیت اروپایی و حقارت فرهنگی آمریکایی مقدمه‌چینی شده بود. مرحله دوم، شامل دوره جنگ سرد می‌شود آنچه در این دوره آمریکاستیزی نامیده می‌شد بیشتر برگرفته از انتقادات سیاسی و ایدئولوژیکی بود که متمایل به چپ‌گرایی بود و طیفی از تبلیغات شوروی تا معترضان چپ‌گرای خیابانی از جنبش‌های متعدد معترض و ضد جنگ ویتنام را در برمی‌گرفت. در این دوره دروغ و ریاکاری که به سیاست‌های آمریکایی برچسب خورده بود به عنوان آمریکاستیزی برجسته‌تر شد. در مرحله سوم از آمریکاستیزی، تأکید بیشتری بر تأثیرات ناخوشایند سرمایه‌داری آمریکایی و آمریکاکرایی دیده شده است که تا امروز با تمرکز بر آمریکاستیزی به عنوان جزئی مسلط از ضد جهانی شدن ادامه دارد. آمریکاستیزی در این دوره غالباً با جنبش ضد جهانی شدن و نگرانی این جنبش از تسلط منافع سرمایه‌داری آمریکایی و فرهنگ آمریکایی بر جهان مرتبط بود.

لازم به ذکر است که در این مرحله با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا با تهدیداتی خاص و تازه در منطقه خلیج فارس روبه‌رو شد که بر اساس تئوری دومینو می‌توانست خطر بالقوه‌ای را حتی برای دولت‌های طرفدار آمریکا ایجاد کند. برای مثال امکان صدور انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورهای منطقه، به خطر افتادن موقعیت دولت‌های سلطه‌گر، به خطر افتادن امنیت تنگه هرمز، کاهش صادرات کالاهای نظامی و غیرنظامی آمریکا به ایران، ازدیاد قیمت نفت در سطح جهانی، کاهش حجم صادرات نفت ایران، انحلال کامل پیمان سنتو، از بین رفتن حلقه متصله بین پیمان ناتو و سیتو و از دست دادن پایگاه‌های استراق سمع و تعطیل شدن مرکز جاسوسی آمریکا در منطقه، بی‌اعتبار شدن آمریکا در منطقه و ایجاد جو عدم اعتماد در وابستگان وی و در نهایت برهم خوردن معادلات سیاسی تنظیم شده قدرت‌های بزرگ برای خاورمیانه از مواردی بود که با پیروزی انقلاب اسلامی منجر به ایجاد تغییرات بنیادی در موقعیت آمریکا شد (الهی، ۱۳۷۸: ۲۸۲-۲۸۱). از طرف دیگر، شعارهای ایران مبنی بر آزادی فلسطین، تهدید بالقوه دیگری برای پایگاه آمریکا در منطقه یعنی اسرائیل شده بود که آمریکا همواره نسبت به تأمین امنیت این کشور حساسیت شدیدی داشت (کدیور، ۱۳۷۴: ۲۰۷).

و در مرحله چهارم آمریکاستیزی تروریستی و خشونت‌آمیز با حملات ناگهانی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمایان گردید (اکونور، ۲۰۰۷: ۷۸-۸۵، به نقل از دانشورمحمدزادگان، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۱). اگرچه حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ غلیان احساسات همدردی با ایالات متحده و آمریکایی‌ها را در بسیاری از نقاط جهان به همراه آورد، اما با گذشت زمانی کوتاه در فوریه ۲۰۰۳ جهان شاهد راهپیمایی بزرگ‌تری در طول تاریخ خود در اعتراض علیه حمله آمریکا به عراق بود. پس از سال ۲۰۰۲ و تمامی دوران ریاست جمهوری جرج بوش پسر اظهارات ضدآمریکایی در جهان رشد اجتناب‌پذیری یافت. بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ اظهارات آمریکاستیزانه، در قالب نظرسنجی‌های عمومی و تظاهرات سیاسی، در گستره جهانی تشدید شده و مجدداً آمریکاستیزی به سرتیترا اخبار تبدیل شد و بسیاری از آمریکایی‌ها از گستره جهانی این امر بهت‌زده شدند (کاترشتاین و کیوهن، ۱۳۹۵: ۴۳-۲۷).

نتیجه حمله به عراق و افغانستان، سیاست مبارزه به اصطلاح جهانی علیه تروریسم، سیاست‌های میلیتاریستی و تهاجمی باعث وارد شدن آسیب جدی به جایگاه آمریکا و وارد شدن فشار مالی به اقتصاد این کشور شد. در فضای جنگ پیش‌دستانه جورج بوش، چهره سیاسی آمریکا در نزد افکار عمومی بین‌المللی افول یافت و ذهنیت کشورهای مختلف در مورد نقش بین‌المللی و منطقه‌ای آمریکا کاملاً منفی گشت. در این دوره به نیروهای مسلح اجازه داده شد تا هر مسلمانی را که در هر نقطه زمین

دستگیر می کنند زیر شکنجه بگیرند. وزارت دادگستری به سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا اختیار تام داد تا در کشورهای دیگر هر کسی را مظنون به تروریسم یافتند برآید و به سرزمین رژیم‌هایی منتقل کند که در آنجا می شد آن‌ها را زیر شکنجه بازجویی کرد و همچنین آن‌هایی را که ظاهراً مظنون به تروریسم بودند، در هر نقطه از کره زمین ترور کند (عابدی گناباد، ۱۳۹۶: ۱۴۴۵).

با روی کار آمدن باراک اوباما (۲۰۰۸-۲۰۱۶) و شعار موسوم به «تغییر» شاهد حرکت آمریکا از راهبرد جنگ پیش‌دستانه دوران بوش پسر بودیم. اوباما به علت عدم توانایی آمریکا بر همکاری جهانی و دیپلماسی قوی برای بهره‌گیری کم‌تر از نیروی نظامی تأکید داشت (کاردان، ۱۳۹۰: ۴۳). به عبارت دیگر، درحالی که سیاست خارجی بوش بر یک‌جانبه‌گرایی، حصول امنیت و منفعت به شیوه سخت‌افزاری استوار شده بود، اوباما سیاست خارجی خود را بر اساس چندجانبه‌گرایی، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و قواعد بین‌المللی سازمان‌دهی کرد (کریمی‌فرد، ۱۳۹۴: ۱۵۷). اوباما با عنایت به شرایط نابسامان آمریکا به دنبال تقویت همکاری با متحدین و شرکا حرکت کرد (عابدی گناباد، ۱۳۹۹: ۱۵۵). تلاش در جهت تصویب کاهش میزان گازهای گلخانه‌ای، امضای پیمان پاریس در سال ۲۰۱۵ و تلاش او برای ترمیم وجهه این کشور در سطح افکار عمومی و دوری از نظامی‌گری علی‌رغم تضعیف موقعیت آمریکا و انتقادهای تند جمهوری خواهان، و تأکید بر قدرت نرم و هوشمند باعث کاهش نسبی رویکردهای آمریکاستیزانه در جهان شد. به همین علت، هاتلاپا و مارکویتس اوباما را همانند فرشته‌ای در مقابل تصویر شیطان‌ی بوش ترسیم می‌کنند، هرچند معتقدند در این دوره هم شیفتگی و گرایش به آمریکا وجود داشت و هم ستیزش (هاتلاپا و مارکویتس، ۲۰۱۰)؛ اما پیروزی غیرمنتظره دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ با شعار «آمریکای قدرتمند» و «روای آمریکایی» و هم‌چنین با در پیش گرفتن سیاست‌های پیش‌بینی‌ناپذیر بار دیگر باعث تشدید نگرش‌های آمریکاستیزانه در سطح جهان شد. ترامپ شعار «نخست آمریکا» را در قالب نوعی ملی‌گرایی افراطی، پوپولیسم و یک‌جانبه‌گرایی دنبال کرد. یک‌جانبه‌گرایی نه تنها در مورد سازمان‌های بین‌المللی بلکه در مورد متحدین غربی آمریکا دنبال شد (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۴۷). از مهم‌ترین اقدام‌های دونالد ترامپ که موجب تشدید آمریکاستیزی در جهان گردید، می‌توان به این موارد اشاره داشت:

۱. انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس در ۱۶ دسامبر ۲۰۱۷ برخلاف تمامی قطعنامه‌های

بین‌المللی (فتاحی، ۱۳۹۶: ۱۴)؛

۲. اتخاذ سیاست‌های تنش‌زا با ایران، مکزیک، کره شمالی و کوبا؛

۳. خروج از برخی معاهدات زیست‌محیطی، تجاری و امنیتی؛
 ۴. بی‌توجهی به سیاست‌های محیط‌زیستی؛
 ۵. دادن چراغ سبز به رژیم سعودی در کشتار مردم یمن و عدم تحرک جدی در برابر قتل فجیع؛ جمال خاشقجی توسط رژیم آل سعودی؛
 ۶. بی‌عملی در برابر نقض حقوق بشر، تبعیض، سرکوب، خشونت و کشتار در کشورهای مسلمان و متحد آمریکا در غرب آسیا همچون عربستان سعودی و بحرین؛
 ۷. تلاش در جهت تقویت فرقه‌گرایی، گسل‌های مذهبی و نزاع‌های ناشی از ناسیونالیسم قومی؛
 ۸. تحریم کشورهای منتقد سیاست‌های آمریکا در سطح جهان (عابدی گناباد، ۱۳۹۹: ۱۹۷-۱۹۸)؛
 ۹. ترور سردار قاسم سلیمانی (فرمانده اسطوره‌ای نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و ابومهدی المندس (رئیس و فرمانده میدانی نیروهای حشد الشعبی عراق) در فرودگاه بغداد در ۳ ژانویه ۲۰۲۰ (عابدی گناباد، ۱۳۹۹: ۱۹۰-۱۹۴)؛
 ۱۰. تشدید رویکرد چین‌هراسی پس از آغاز بحران کرونا.
- با روی کار آمدن جو بایدن و علی‌رغم برخی خوش‌بینی‌های اولیه در خصوص کاهش احساسات آمریکاستیزانه در جهان و حرکت این کشور به سمت چندجانبه‌گرایی و پایان دادن به میراث دوران ترامپ، شاهد تداوم اقدام‌های یک‌جانبه آمریکا و در نتیجه تشدید نگاه آمریکاستیزانه بودیم. به طور مثال، انعقاد قرارداد فروش زیردریایی هسته‌ای آمریکا و انگلیس به استرالیا، منجر به اعتراض شدید فرانسوی‌ها و خشم و نگرانی بسیاری از شهروندان و گروه‌های مخالف سلاح‌های هسته‌ای در اروپا شد. فرانسه به مقامات دولتی خود دستور داد تا به دلیل کنار گذاشته شدن این کشور از قرارداد فروش ۵۶ میلیارد یورویی زیردریایی، از استرالیا، آمریکا و بریتانیا انتقام بگیرند (سالاری، ۱۴۰۰).

چرایی آمریکاستیزی در جمهوری اسلامی ایران

ابتدا باید این نکته را خاطر نشان ساخت که آمریکاستیزی جمهوری اسلامی ایران به طور دقیق در هیچ کدام از دسته‌بندی‌های مطرح شده در بخش چارچوب نظری قرار نمی‌گیرد، اما می‌توان مشخصه‌های برخی گونه‌های آمریکاستیزی مثل اسلامی و ایدئولوژیک، تدافعی و واکنشی و ضدیت با آمریکاگرایی را در نظر داشت؛ و در پاسخ به پرسش این بخش که چرا آمریکاستیزی در جمهوری

اسلامی ایران شکل گرفت، یافته‌ها نشان می‌دهد هم به دلیل ضدیت با تمدن و ایدئولوژی آمریکایی است که در تقابل با تمدن ایران فرهنگی و ایدئولوژی اسلامی قرار می‌گیرد و این مسئله در محور اول بررسی می‌شود؛ و هم به دلیل ضدیت با سیاست‌های آمریکا و دشمنی‌ها و خصومت‌هایی است که علیه ایران اعمال گردیده است، (که از موارد دوم الی آخر بررسی می‌گردد) و از این منظر آمریکاستیزی را می‌توان واکنشی تدافعی دانست.

۱- تقابل تمدنی و ایدئولوژیک

اولین و مهم‌ترین عامل تقابل ایران و آمریکا را باید ناشی از ماهیت تمدن ایران فرهنگی و جهان-بینی اسلامی (خدای‌محوری در مقابل انسان‌محوری) دانست. آمریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نشان داده است که با حوزه تمدنی ایران فرهنگی سر ناسازگاری دارد. منظور از ایران فرهنگی مناطقی است که در آنجا فرهنگ ایرانی حضور دارد و این مناطق نمی‌توانند محدود به مرزهای سیاسی شوند. ملت ایران از معدود ملت‌های چند هزارساله است که هرگز دچار گسست هویتی نشده و جزو کوچکی از یک فرهنگ بزرگ‌تر نبوده است (حق‌گو، ۱۳۹۸: ۱۷۸-۱۷۷). هویت ایران فرهنگی همچون سایر هویت‌ها تلاش می‌کند داعیه جهان‌شمولی و همه‌گستر خود را بر سایر هویت‌ها و تمدن‌ها اثبات کند. ضمن اینکه معناگرا بودن و دین‌گرا بودن از ویژگی‌های اصلی هویت ماست و از همان ابتدای شکل‌گیری تمدن در ایران و ایجاد دولت-شهرهایی چون سیلک و کاشان و شوش و بعدتر دولت عیلام و ماد، شکل‌گیری هویت دینی ضرورت می‌یابد؛ اما گسترش دین اسلام سرآغاز شکل‌گیری هویتی جدید در میان ایرانیان می‌شود که عناصر اصلی آن را می‌توان فرهنگ اسلامی و فرهنگ ایرانی دانست (امام جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۸-۱۵). در یک تمدن دینی، دین فقط یک عامل از عوامل تشکیل‌دهنده فرهنگ نیست بلکه واقعیت دین‌داری، کل فرهنگ را تشکیل می‌دهد و هر چیزی از وحی الهی نشأت می‌گیرد.

در حالی که تمدن و جهان‌بینی غربی بر پایه اومانیزم، سکولاریسم و لیبرالیسم استوار است که نگاه به انسان و جهان را در نگاه مادی محصور نموده و دین و اخلاق و معنویت را از متن زندگی انسان به حاشیه رانده است. در واقع غرب پس از رنسانس، سعادت را در نفی خداوند از زندگی اجتماعی و عدم حاکمیت قوانین الهی منبث از وحی در قوانین حکومتی دانست. شاید به همین دلیل جورج شولتز، وزیر سابق دارایی آمریکا، اعلام کرد که «انقلاب اسلامی خطرناک‌ترین دشمن مشترک تمدن غرب در سراسر تاریخ است» و ریچارد نیکسون در کتاب *پیروزی بدون جنگ* نوشت: «...اسلام خمینی

و بنیادگرایی اسلامی برای ما خطرناک‌تر از شوروی است...» (واعظی، ۱۳۷۹: ۳۱۴-۳۱۳). هم‌چنین گری سیک، عضو ستاد کمیسیون امنیت ملی در امور ایران، بر این باور است که هسته اصلی برداشت نادرست ایالات متحده از ایران، یک شکاف عمیق فرهنگی است؛ شکافی که مبتنی بر تضاد بین دو نظام ارزشی یعنی جهان‌بینی خداسالاری اسلامی امام خمینی در مقابل جهان‌بینی اساساً سکولار غربی کارتر است (سیک، ۱۳۸۴، به نقل از رهدار، ۱۳۸۶: ۴۸). حتی برخی طراحان تحریم‌های اخیر علیه ایران نیز به ماهیت کشور هدف و تفاوت ارزش‌های فرهنگی و معنوی توجه داشته‌اند (نفیو، ۲۰۱۷). برخی نیز با متمایز ساختن آمریکاستیزی سیاسی و فرهنگی، معتقدند آمریکاستیزی در ایران فقط به دلیل دین‌داری نیست زیرا این عامل تنها منجر به شکل‌گیری آمریکاستیزی فرهنگی می‌گردد؛ بلکه به دلیل حمایت از اسلام سیاسی است و این عامل سبب شده که هر دو نوع آمریکاستیزی سیاسی و آمریکاستیزی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران شکل بگیرد (اسدزاده، ۲۰۱۹)؛ بنابراین شاید بتوان ادعا کرد که دلیل اصلی منازعه میان تهران و واشنگتن در ماهیت افکار، عقاید، اصول و ارزش‌های حاکم بر نظام و حکومت‌های ایران و آمریکا نهفته است و تنها زمانی می‌توان به عادی شدن مناسبات دو کشور خوش‌بین بود که یکی یا هر دوی آن‌ها از اصول و ارزش‌های خود عدول نمایند (بهمن، ۱۳۹۱: ۳۴۹).

۲- روابط مبتنی بر سلطه

روابط نزدیک میان ایران و آمریکا طی دوران پادشاهی شاه سابق یک نمونه کامل از روابط سلطه-آمیخته بین‌المللی است. روابط سلطه‌آمیز بین‌المللی می‌تواند بر سیاست داخلی کشورهای سلطه‌پذیر اثر بگذارد. معمولاً منافع امنیتی دولت سلطه‌گر حکم می‌کند که بر کشورهای سلطه‌پذیر که از نظر استراتژیکی مهم‌اند، اتکا ورزد؛ و حفظ ثبات سیاسی در این کشورها، غالباً برای کشور سلطه‌گر حیاتی است و از این روی تأکید عمده، در این روابط، بر ثبات سیاسی این کشورها قرار دارد. اگر کشور سلطه‌گر بتواند بر کشور سلطه‌پذیر اعمال نفوذ کند، این نفوذ را می‌تواند در راه تشویق دولت سلطه‌پذیر برای اقدام در زمینه کاهش ناآرامی، مانند دستگیری رهبران مخالف یا اجرای اصلاحات، به کار برد (گازپوروسکی، ۱۳۷۱: ۴۸-۴۳).

اگرچه میزان نفوذ و سلطه آمریکا در ایران از روسیه و انگلستان تا قبل از جنگ دوم جهانی کم‌تر است، اما تاریخ طولانی نفوذ خارجی در ایران در روابط ایران و آمریکا تأثیر منفی داشته است (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۳۲). ویلفرید بوختا در این باره می‌نویسد: «در ایران، آمریکاستیزی دارای ریشه‌های تاریخی

است که به ۲۰۰ سال کشمکش این کشور با قدرت‌های بزرگ اروپایی بر سر حفظ استقلال برمی‌گردد» (فتح، ۱۳۸۸: ۲۳۷). از دیدگاه طبقه سیاسی ایران پس از انقلاب، ایالات متحده به‌عنوان جانشین تاریخی استعمار انگلیس پس از سال ۱۹۴۰ در ایران ظاهر شده بود. از همه مهم‌تر حمایت نادرست آمریکا از حکومت خودکامه و فاقد مشروعیت محمدرضا پهلوی و هم‌چنین کودتا علیه دولت مصدق که به صورت آزاد و دموکراتیک انتخاب شده بود، زخم عمیقی بر حافظه جمعی ایرانیان بر جای گذاشت و تصویر عمومی منفی از آمریکا ایجاد کرد؛ زیرا این کودتا عمده‌تاً با حمایت مالی سیا طراحی و سازمان‌دهی شده بود (فتح، ۱۳۸۸: ۲۴۰ - ۲۳۹). آیت‌الله علی خامنه‌ای در خصوص ترسیم فضای کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سلطه مطلق آمریکا بر این باور است که: «آمریکا ۲۵ سال در این کشور حاکمیت مطلق داشته است؛ حاکمیت مطلق آمریکا در دوران رژیم طاغوت. این طور رژیمی بر کشور ما حکومت می‌کرد که افسرش هم تابع آمریکایی است، وزیر دارایی اش هم تابع او است، وزیر دفاعش هم تابع او است، نخست‌وزیرش هم تابع او است، خود شاه هم تابع آمریکا است، بی‌چون و چر! یک چنین رژیمی بر این مملکت حکومت می‌کرد. آمریکایی‌ها ۲۵ سال در دوران رژیم طاغوت، در ایران حضور داشتند، اما مجلس‌های شورای فرمایشی و مسخره آن روز، یک‌بار مورد انتقاد آمریکایی‌ها قرار نگرفت. آمریکا در کشور ما فرعونیت می‌کرد» (خامنه‌ای، ۱۸ شهریور ۱۳۹۴).

بنابراین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نقطه عطف جابه‌جا شدن قدرت‌های خارجی مسلط بر ایران است. قبل از کودتا قدرت حاکم بر ایران، انگلیس بود، ولی بعد از کودتا حاکمیت آمریکا در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی در ایران تثبیت و گسترش یافت (سلیمی‌بنی، ۱۳۸۴: ۱۷۶).

۳- حمایت آمریکا از محمدرضا پهلوی در سرکوب مخالفین

محمدرضا شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد برای حفظ رژیم خودکامه خود به ترکیبی از سرکوبگری روی آورده و هرگونه گروه مخالفی را سرکوب کرده و نهادهای دموکراتیک در حال شکوفایی را از توان انداخت. در واقع همان‌طور که پرواند آبراهامیان بیان می‌کند: «پس از کودتا رژیم به آسانی یک اصل شوم را که از سوی سفارت آمریکا ابراز شده بود، پذیرفت. این که کمونیست بر اثر نارضایتی‌های اجتماعی - اقتصادی پدید نیامده و بنابراین سرکوب گسترده حزب توده مطمئن‌ترین شیوه نابودی آن است» (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۹۳). این رفتار سرکوبگرانه به پشت‌گرمی واشنگتن با جریان‌های مذهبی چون فدائیان اسلام نیز دنبال شد. سیاست‌های شاه پس از کودتا دستیابی به قدرت هرچه بیشتر در ابعاد

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی به‌عنوان پادشاهی مقتدر بود. شاه با سرکوب شدید هرگونه اعتراضی، به حکومت استبدادی خود در پناه حمایت‌های آمریکا ادامه داد و جو اختناق را در کشور حاکم کرد. از این دوره به بعد رژیم خودکامه شاه به شکل روزافزونی شکل سرکوب‌گرایانه‌ای یافت (عزیزی بساطی، ۱۳۹۱: ۱۷۸).

برنامه کمک امنیتی آمریکا به میزان زیادی کارایی نیروهای امنیتی ایران را بهبود بخشید و در نتیجه به‌طور اساسی، توان حکومت ایران را برای سرکوب مخالفان افزایش داد. این برنامه‌ها ساواک را قادر ساخت که تحت رهبری شاه نقشی عمده در سیاست خارجی ایران بازی کند. بر همین اساس است که گری سیک، مشاور امنیت ملی کارتر، بعدها در کتاب خود به استفاده از شکنجه و آزار فعالین سیاسی در ایران از سوی ساواک و آزادی بی‌حد و حصر این مجموعه در شناسایی و سرکوب مخالفان سلطنت پهلوی اشاره دارد (غضنفری، ۱۳۸۰: ۳۱).

۴- حمایت آمریکا از تجزیه‌طلبان و اپوزیسیون

حمایت آمریکا از برخی گروه‌های اپوزیسیون غیررسمی و بعضاً برانداز جمهوری اسلامی، چه در داخل و چه در خارج، از سوی نظام ایران به‌مثابه دشمنی آشکار قلمداد شده است. هرچند سیاست اعلامی آمریکا عمدتاً تغییر در رفتار جمهوری اسلامی و نه تغییر خود رژیم بوده، اما عملکرد آن از جمله در برخورد با مخالفان خواهان تغییر نظام جمهوری اسلامی، حاکی از تمایل واشنگتن برای تغییر نظام در ایران است (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۱۳۳). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا به حمایت پنهان از گروه‌های تجزیه‌طلب می‌پردازد. این امر به‌ویژه در کردستان، آذربایجان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، گنبد و ترکمن صحرا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی نمودی آشکار داشت. آن‌ها در کردستان خلق کرد، در خوزستان خلق عرب، در گنبد و ترکمن صحرا خلق ترکمن و در سیستان و بلوچستان خلق بلوچ را مطرح کردند و با حمایت‌های آمریکا و نیروهای عراقی طرح تجزیه‌طلبی را شدت بخشیدند (نصری، ۱۳۹۱: ۲۶۶).

پناه دادن به تجزیه‌طلبان قوم گرا، خارج کردن نام سازمان منافقین از لیست گروه‌های تروریستی در سال ۲۰۱۲، حمایت از اقدام‌های براندازانه در وقایع سال ۱۳۸۸، دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ از جمله مواردی است که در سال‌های اخیر هم از سوی دولت‌های دموکرات و هم جمهوری خواه آمریکا مشاهده شده است.

۵- طراحی کودتاها

کودتا از ابتدایی‌ترین شیوه‌های براندازی است که استعمارگران عمدتاً از طریق برخی عناصر نخبگان فعال در دستگاه سیاسی و به‌ویژه نظامی داخلی بارها آن را در کشورهای مختلف آزموده و تجربه‌های موفق و ناموفق فراوانی نیز در این زمینه داشته‌اند (پناهی، ۱۳۹۱: ۴۴). از نمونه‌های موفق کودتا در ایران معاصر می‌توان به کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ اشاره کرد که به روی کار آمدن رضاخان و تأسیس سلسله پهلوی منجر شد؛ و نیز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با برنامه‌ریزی مشترک انگلیس و آمریکا باعث سقوط دولت مصدق و تجدید سلطنت محمدرضا پهلوی شد اشاره داشت. آمریکایی‌ها به دلیل منافع راهبردی خود در ایران و منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، تغییر رژیم حاکم در ایران را حتی تا آخرین روزهای حیات آن برنمی‌تاییدند. آمریکایی‌ها برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی در دی‌ماه ۱۳۵۷ ژنرال هایزر، جانشین نیروهای ناتو را به تهران فرستادند تا با کودتای نظامی مانع از پیروزی انقلاب اسلامی شوند که موفق نگردیدند. ژنرال هایزر در کتاب خاطرات خود اظهار می‌دارد که حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، معاون وزیر جنگ آمریکا از او خواسته است برای کودتایی نظامی به تهران بازگردد (هایزر، ۱۳۶۶: ۴۵۳). در ایران پس از انقلاب اسلامی، رهبران این کشور بر این باورند که واشنگتن در طراحی و حمایت از کودتاها، مختلف به‌منظور سرنگونی جمهوری اسلامی با کمک عوامل داخلی و برخی متحدان منطقه‌ای خود به ایفای نقش پرداخته است. پیشینه سازمان سیا و کاخ سفید در طراحی کودتاها، متعدد در آسیا، آفریقا و به‌ویژه آمریکای لاتین به‌منظور سرنگونی رژیم‌های چپ‌گرا و مخالف سیاست‌های واشنگتن، علاوه بر نقش مخرب این کشور در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به نگاه‌های منفی در قبال سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی دامن زد. آمریکایی‌ها پس از شکست در کودتای معروف به «نوژه»، چند کودتای ناموفق دیگر را نیز رهبری کردند که مهم‌ترین آن‌ها بدین قرار بود: گروه برانداز «پارس»، گروه «نمارا»، گروه «نیما» و نیز گروه «نجات انقلاب ایران» (نصری، ۱۳۹۱: ۲۷۲).

۶- حمایت از عراق در جنگ تحمیلی و سرنگونی هواپیمای ایرانی بر فراز خلیج

فارس

پس از آغاز جنگ عراق علیه ایران، دولت آمریکا در سیاست اعلانی مواضع بی‌طرفی را در قبال این جنگ اتخاذ کرد، اما در سیاست عملی، از عراق حمایت و متحدان خود را تشویق می‌کرد تا به

عراق تسلیحات موردنیاز را بفروشد (مطیع فر، ۱۳۸۹: ۲۱۷-۲۱۶). آمریکا با موضع گیری‌ها و اقدامات خصمانه خود علیه ایران، مشوق اصلی حکومت عراق در حمله به ایران بوده است. آمریکا در دهه ۸۰ قرن بیستم به عراق به عنوان کشوری نگاه می‌کرد که قادر است موازنه قوا را با ایران انقلابی برقرار کند (حاتمی، ۱۳۹۰: ۲۰۶). پس از شکست‌های پی‌درپی ارتش عراق از نیروهای مسلح ایران، در عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و متعاقب آزادسازی خرمشهر، دولت آمریکا که تا آن موقع ادعای بی‌طرفی می‌نمود، صرفاً با هدف جلوگیری از پیروزی قاطع ایران به نفع عراق تغییر موضع داد (تهامی، ۱۳۸۰: ۳۲۵-۳۱۹)؛ و زمانی که مشخص شد جمهوری اسلامی در حال پیروزی در آن نبرد است، ریگان با ارائه اطلاعات حساس نظامی، وام‌های تضمینی و دیگر انواع حمایت‌ها و نیز چشم بستن بر جنایت‌های صدام، آشکارا به سود عراق عمل کرد. حتی ایالات متحده همچون بخشی از یک عملیات چندجانبه برای دفاع از تانکرهای نفتی عرب که مورد حمله ایران قرار گرفته بود به‌طور مستقیم درگیر جنگ شد (کمپ، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

برخی بر این باورند که جنگ تحمیلی علیه ایران بر اساس نظریه فشار از خارج، طراحی شده بود که به نوعی پرستیژ جریحه‌دار شده آمریکا در صحنه بین‌الملل را التیام بخشد (امیری، ۱۳۸۵: ۹۳). این مهم در حالی بود که بر اساس منشور سازمان ملل متحد کمک نظامی آشکار آمریکا به عراق آن کشور را در تجاوز نامشروع عراق به ایران به شکل غیرقابل‌بخششی شریک جرم کرد (بویل، ۱۳۹۰: ۱۷).

سرانجام مقامات آمریکایی، با اعمال نفوذ در شورای امنیت سازمان ملل متحد، قطعنامه ۵۹۸ را بدون این که نامی از آغازکننده جنگ برده شود، در ژوئیه ۱۹۸۷ به تصویب رسانیدند و به سبب آن که دولت ایران پذیرش قطعنامه را به بعد از اعلام متجاوز موکول کرده بود، فشارهای سیاسی آمریکا علیه ایران شدت یافت و نیروهای ارتش آمریکا در خلیج فارس در چندین نوبت در اوایل سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) به سکوهای نفتی، جزایر، قایق‌ها و ناوهای نیروی دریایی ایران حمله کردند. همچنین سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرانی بر فراز خلیج فارس و کشته شدن ۲۹۰ نفر از مسافران آن در سال ۱۹۸۸ به‌منظور وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش قطعنامه ۵۹۵ و پایان جنگ با عراق نیز بر خشم رهبران جمهوری اسلامی ایران از آمریکا افزود. دولت آمریکا به جای اعتراف به اشتباه و عذرخواهی رسمی به فرمانده ناو که این جنایت را مرتکب شده بود مدال اعطا کرد (میرلوحی، ۱۳۸۰: ۴۱).

۷- حمایت آمریکا از اقدامات اسرائیل علیه مسلمانان و نقش لابی یهودیان

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آشکار شدن مواضع ضدصهیونیستی آن، زمینه تحرک لابی صهیونیستی در سطح محافل تصمیم‌گیری آمریکا فراهم آمد که اعمال تهدید همه‌جانبه راهبردی علیه ایران را مدنظر داشت. سیاست مهار دو‌جانبه، لایحه تحریم همه‌جانبه ایران (داماتو)، قانون تحریم ایران و لیبی، قرار دادن ایران در محور شرارت، سیاست تغییر رژیم ایران، سیاست تحریم ایران و پافشاری بر ضرورت مقابله نظامی با ایران برخی از فعالیت‌های ضدایرانی لابی مدافع اسرائیل است (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۸: ۱۵۱-۱۳۷). حمایت آمریکا از اقدامات اسرائیل از جمله علل دیگر تقابل ایران با آمریکا محسوب می‌شود. در آمریکا اگر دولتی وابسته به حزبی دوره‌اش پایان می‌یابد و دولت بعدی از حزب دیگر بر سر کار می‌آید، خط‌مشی سیاسی آمریکا در ارتباط با یهودان صهیونیسم و اسرائیل تغییر نمی‌کند (میرلوحی، ۱۳۸۰: ۱۲). در واقع سیاست خاورمیانه‌ای و جهانی آمریکا برای دهه‌های متعددی بر اساس حمایت از اسرائیل شکل گرفته است. کمک‌های آمریکا به اسرائیل علاوه بر ابعاد سیاسی، دارای ابعاد اقتصادی و نظامی نیز است. از سال ۱۹۷۴ به بعد، اکثر یا همه وام‌های گذشته آمریکا به اسرائیل توسط کنگره بخشیده شده است. همه این‌ها در حالی است که اسرائیل یکی از بالاترین رقم‌های درآمد سرانه جهان را دارد؛ و تولید ناخالص داخلی اسرائیل از همه همسایگانش بیش‌تر است (بخشی نیکو، ۱۳۹۳: ۱۰۰). حمایت بی‌چون‌وچرا از رژیم صهیونیستی موجب دور شدن کشورهای غرب آسیا و مسلمانان از آمریکا، شریک دانستن آمریکا در ناامنی منطقه و ظلم‌های رژیم صهیونیستی موجب ایجاد هزینه برای مقابله با تروریسم برای کشورهایایی شده است که هیچ رابطه‌ای با منافع آمریکا نداشته‌اند. مسئولان جمهوری اسلامی ایران نه تنها اسرائیل را بزرگ‌ترین تهدید امنیتی ایران می‌دانند، بلکه این کشور را خطر بزرگی بر ضد امنیت منطقه خاورمیانه نیز تلقی می‌کنند (رنجبر، ۱۳۸۲: ۲۳۴ - ۲۳۳). در سال‌های پس از ۲۰۱۷ نیز لابی یهودیان حامی رژیم صهیونیستی در اتخاذ سیاست موسوم به «فشار حداکثری» دونالد ترامپ به شدت فعال بوده‌اند.

۸- اقدامات تروریستی

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، آمریکا بارها اسلام انقلابی ایران را با تروریسم یکسان دانسته است. این اتهام نابجا تا جایی پیش رفته است که در اقدامی مخالف تمامی موازین بین‌المللی، دونالد ترامپ حتی نهاد حکومتی جمهوری اسلامی ایران یعنی سپاه پاسداران را نیز تروریستی نامید.

این در حالی است که آمریکا همواره از انجام حملات تروریستی در داخل ایران حمایت کرده است و به رغم اینکه ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح‌آمیز بوده و خواهد بود، آمریکا و سایر کشورهای غربی بارها ادعا کردند که ایران در پی دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی است. دامنه اقدامات غیراخلاقی این کشورها در مقابله با پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران محدود به طرح اتهامات نبوده و مواردی همچون رفتار تبعیض‌آمیز در برخورد با پرونده هسته‌ای ایران، مخالفت‌های مغایر با اصول حقوقی، ترور دانشمندان و نخبگان هسته‌ای و تحریم‌های ناعادلانه و همه‌جانبه را در بر گرفته است (میری کلاه کج و دانشور محمدزادگان، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

آمریکا با اعمال تحریم‌های اقتصادی و در واقع تروریسم اقتصادی سعی نموده ایران را از دستیابی به فناوری هسته‌ای بازدارد. آمریکا توانسته با به‌کارگیری ابزارهای مختلف، متحدان خود و بسیاری کشورهای دیگر را مجاب کند تا در راستای فشار اقتصادی بر ایران با این کشور همکاری کنند. با نگاهی به روند کلیه تحریم‌های وضع شده از سوی آمریکا بر علیه ایران می‌توان پنج موج تحریم را شناسایی کرد: تحریم‌های تکنولوژیک، سرمایه‌گذاری و تجهیزات نظامی، محدودسازی نقل و انتقالات مالی، تحریم بانک مرکزی، تحریم فروش نفت و گاز و ممنوعیت مبادلات فلزات گران‌بها و طلا و مسدودسازی وجوه (منظور و مصطفی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۱). هم‌چنین در شرایط بحرانی شیوع ویروس کرونا، آمریکا دست از فشار حداکثری برنداشت و به تحریم‌های بیمه‌ای و بانکی و دارویی ادامه داد. این رفتار آمریکا حتی مورد نقد و اعتراض روزنامه‌های مهم چاپ آمریکا از جمله واشنگتن پست (۲۶ مارس ۲۰۲۰) و نیویورک تایمز (۲۵ مارس ۲۰۲۰) هم قرار گرفت. در همین حال که تحریم‌ها علیه ایران افزایش می‌یافت، دولت ترامپ ریاکارانه پیشنهاد کمک‌های دارویی را به ایران طرح کرد، درحالی که می‌دانست تهران دریافت این کمک‌ها را از دولت مسئول این رنج و فشار نخواهد پذیرفت (بنیس، ۲۰۲۰). از دیگر اشکال اقدامات تروریستی آمریکا می‌توان به تروریسم فرهنگی و رسانه‌ای نیز اشاره داشت.

سرمایه‌گذاری در رسانه‌های دیداری و شنیداری، سازمان‌های تبلیغاتی، خبری و کمپانی‌های فیلم‌سازی برای ارائه تصویری سیاه و خطرناک از جمهوری اسلامی ایران، ایجاد فضای رسانه‌ای درباره دخالت ایران در عراق، لبنان و... در نقش بزرگ‌ترین مدافع تروریسم که به عوامل ناامنی در این کشورها تسلیحات می‌رساند و آن‌ها را آموزش نظامی می‌دهد.

- تقویت ایده جنبش دموکراسی به سبک آمریکایی و مستمسک قرار دادن مقوله حقوق بشر، حقوق زنان و دامن زدن به مطالبات صنفی و اجتماعی و همچنین سازمان‌دهی نارضایتی‌ها و نافرمانی به اصطلاح مدنی به وسیله مطبوعات خاکستری، احزاب و غیره.
- راه‌اندازی سایت‌های اینترنتی و ارائه نرم‌افزارهای جاسوسی به عوامل خود در داخل کشور تا ابعاد مختلف جنگ رسانه‌ای به شکل اثربخش‌تر طراحی و اجرا شود.
- و مواردی دیگر از این قبیل که با هدف به حاشیه راندن فرهنگ ملی و دینی جوامع است تا با حاکم کردن فرهنگ لیبرال دموکراسی در راستای فرهنگ‌سازی جهانی، خواسته‌های خود را در تمام ابعاد تأمین کنند و در عمل، اداره کشورها و به تعبیر صحیح‌تر، اداره امور جهانی را به دست گیرند (مرتضوی امامی، ۱۳۸۹: ۱۴۹-۱۴۸).

چگونگی آمریکاستیزی جمهوری اسلامی ایران

در این بخش با توجه به ضدیت فرهنگی تمدنی ایران با آمریکا و ضدیت با اقدامات آمریکا که ذیل بحث چرایی آمریکاستیزی مطرح گردید، به این مسئله پرداخته می‌شود که جمهوری اسلامی ایران این ضدیت و ستیزش را به چه شکلی انجام داده است و پیش می‌برد؟ در پاسخ، یافته‌ها نشان می‌دهد که از تبلیغ جهان‌بینی توحیدی آغاز می‌گردد، با الگوسازی برای مقاومت در برابر سیاست‌ها و اقدامات آمریکا همراه می‌شود و تا رهبری ائتلاف ضدآمریکایی گسترش می‌یابد. بر مبنای تقسیم‌بندی کلی از انواع آمریکاستیزی به دو نوع خشونت آمیز و غیر خشونت آمیز (ملایم)، در توصیف چگونگی آمریکاستیزی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی غیر خشونت آمیز بودن آن هم مشخص می‌گردد.

۱- تبلیغ جهان‌بینی توحیدی و ظلم‌ستیزانه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اندیشه سیاسی شیعی که تا آن زمان حکومت مستقل شیعی را تجربه نکرده بود، برای نخستین بار در صدد برآمد حکومتی مستقل با ساختارهای جدید را تجربه کند. اسلامی که با حفظ ارزش‌ها و اصول اسلامی، در برابر نفوذ فرهنگ غربی مقاومت کند (کشاورز شکر، ۱۳۹۲: ۱۴۴). وجه مشخصه انقلاب اسلامی و تأثیرگذاری کیفی آن وارد کردن عنصر دین و مکتب اسلام در تعاملات نظام بین‌الملل بود. انقلاب اسلامی با یک مکتب پویا و فراگیر، بافت سیاسی جهان را تغییر داده و ارزش‌های جدیدی را بر پایه اخلاق و معنویات به جهان ماتریالیستی و مادی‌گرایانه ارائه کرد (محمدی، ۱۳۸۵: ۹۵). ارزش‌هایی که نقطه مقابل منفعت‌گرایی آمریکا بود.

گفتمان انقلاب اسلامی با مرکز قرار دادن اسلام سیاسی از دل اسلام سنتی حاکم بر جامعه ایرانی، تفسیری کاملاً سیاسی از دل حکومت سراسر الهی و مبتنی بر شریعت اسلامی را بنا نهاده است. این گفتمان با برجسته کردن حاکمیت الهی به صورت بندی خاصی از نظام سیاسی می‌رسد که در آن حاکمیت و قدرت تنها از آن خداوند است و از ناحیه او به انسان به‌عنوان جانشین خدا در زمین تفویض می‌شود. حکومت انسان در زمین نمادی از حاکمیت الهی است و باید ویژگی‌های آن را با خود داشته باشد (ساداتی‌نژاد و ترکارانی، ۱۳۹۳: ۶۴). دگرگونی‌هایی که در سال ۲۰۱۰ در کشورهای غرب آسیا آغاز شد، نمادی از جنبش‌های اجتماعی است که بیشتر بر اساس گفتمان دینی و نشانه‌های اسلام‌گرایی شکل گرفته است، این امر ظاهراً انعکاس انقلاب اسلامی در غرب آسیا تلقی می‌گردد. انقلاب اسلامی عامل بیداری اسلامی و نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملت‌های مسلمان ایفا کرده است. در آغاز تحولات منطقه روزنامه آمریکایی واشنگتن تایمز می‌نویسد که امام خمینی (ره) همچنان در حال کاستن از قدرت آمریکاست و جنبش‌ها و قیام‌های پی‌درپی همان‌گونه که به منافع آمریکا آسیب زده است، نفس‌های اسرائیل را نیز به شماره انداخته است (امیری، ۱۳۹۷: ۹۵).

از این رو، برخی معتقدند شالوده آمریکاستیزی نظریه انقلاب اسلامی بیش از هر چیز به پدیده شیعی‌گری بازمی‌گردد. در واقع مبانی فکری شیعه که بر پایه ظلم‌ستیزی، فرهنگ عاشورایی و امید به مهدویت شکل گرفته، پیام انقلاب را با عدالت‌طلبی و آرمان‌گرایی خاصی همراه کرد که کمترین پیام آن را می‌توان در سیاست اعتراضی نسبت به شرایط موجود نظام بین‌الملل و تلاش برای یافتن وضع مطلوب مشخص کرد (کیوان حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۳). یک نمونه از تلاش‌های غیرمستقیم جمهوری اسلامی ایران برای آمریکاستیزی، تلاش برای تقویت شعائر مذهبی و برگزاری راهپیمایی زیارت اربعین است. همایش و گردهمایی جهانی اربعین یکی از بسترهای مناسب برای شکل‌گیری جهان‌بینی توحیدی و تمدن اسلامی است و پیام اصلی آمریکاستیزی جمهوری اسلامی ایران را که همان ظلم‌ستیزی است، می‌توان در این مراسم مشاهده نمود. هم‌چنین انتخاب روز قدس از سوی امام خمینی و انجام راهپیمایی در این روز نیز بر مبنای گفتمان توحیدی و ظلم‌ستیزانه انجام گرفت.

۲- الگوسازی برای مقاومت در برابر ظلم و حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش

انقلاب اسلامی با اعطای خودباوری به ملت‌ها برای مقابله با سلطه قدرت‌های یکه‌تاز و شکستن قدرت دروغین آن‌ها و دعوت مسلمانان به خوداتکایی و پایداری در برابر سلطه‌جویی غرب، جریان ثالثی را در مقابل لیبرالیسم و سوسیالیسم، در نظام بین‌الملل، رقم زد و ضمن مقابله با نفوذ سیاسی و

فرهنگی آنان توانست مسلمانان را به عزت و افتخار خود آگاه سازد و با تکیه بر فرهنگ مستقل اسلامی غرب را وادار به عقب‌نشینی در برابر قدرت اسلام نماید (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۴۹). امام خمینی (ره) یک روز پس از اشغال سفارت آمریکا در چهاردهم آبان‌ماه در جمع گروهی از بازدیدکنندگان در قم ضمن تأیید آشکار اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، دولت آمریکا را «شیطان بزرگ» نامید و اشغال «مرکز توطئه» را انقلاب دوم پس از انقلاب اسلامی نامید که از آن مهم‌تر بوده است (نوازی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). علل و انگیزه‌های متفاوت و متعارضی را برای تسخیر سفارت آمریکا ذکر می‌کنند؛ اما یکی از علت‌های اصلی، همان سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا در ایران از سال ۱۳۳۲ تا آن روز و حمایت فزاینده آمریکا از رژیم شاه بود؛ بنابراین روح آمریکاستیزی مردم ایران در قالب حرکت دانشجویان در تصرف سفارت این کشور تجلی یافت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۳۱۵). از نظر دانشجویان پیرو خط امام، پذیرش شاه در آمریکا یادآور دخالت غرب (انگلستان و آمریکا) در موضوعات و مسائل داخلی ایران بود. بنابراین، هشیاری انقلابی ایجاب می‌کرد که مقامات و دانشجویان اسلامی به مقابله مستقیم و پرحاشیه علیه منافع آمریکا مبادرت نمایند (متقی، ۱۳۷۹: ۵۳). تسخیر سفارت آمریکا اگرچه امری برخلاف حقوق بین‌الملل بود، اما بر اساس آنچه در مورد علل اتفاق افتادن آن گفته شد، عملاً ابهت آمریکا را در منطقه شکست. اشغال سفارت، شکست عملیات نجات گروگان‌ها و... حیثیت سیاسی آمریکا را به‌ویژه در منطقه، چنان تنزل داد که دولت‌های وابسته درباره توانایی آمریکا در حمایت از آن‌ها به هنگام بروز بحران، دچار تردید شدند (اخترشهر، ۱۳۸۸: ۹۲).

انقلاب اسلامی با تأکید بر شاخص‌های ایدئولوژیک و فرهنگی خود، سرسختانه در برابر وابستگی به غرب مقاومت نموده و جدال با آن را به‌عنوان بخشی از رسالت سیاسی و ایدئولوژیک خود تلقی می‌کند. این روند در زمان محدودی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به سایر کشورهای خاورمیانه انتقال یافت. از این رو انقلاب اسلامی منجر به تشدید نگرش دوقطبی (دارالاسلام-دارالحرب) نسبت به نظام بین‌الملل گردید؛ و می‌توان این را خود عامل تشدید تضادهای نهفته جامعه ایرانی و سایر کشورهای اسلامی با آمریکا و جهان غرب دانست (متقی، ۱۳۸۷: ۲۱۶). هم‌چنین با اعلام روز قدس در سراسر جهان آشکارا فهمیده می‌شود که انقلاب ایران به آنچه در داخل انجام شده، بسنده نمی‌کند و صریحاً موضع‌رهایی‌بخش خود را متوجه نجات مستضعفین عالم می‌نماید (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۱). رهبران ایران معتقدند که ساختارهای سیاسی و اقتصادی خاورمیانه شدیداً علیه مردم مظلوم و به نفع

ایالات متحده و متحدان آن، به خصوص اسرائیل ارزش گذاری شده است؛ و در این زمینه به فلسطینیان بی سرزمین و اقلیت‌های مسلمانان شیعی در منطقه که تحت فشار سیاسی هستند، اشاره می‌کنند (کاتزمن، ۲۰۱۵: ۶). حمایت و پشتیبانی از نهضت‌های آزادی‌بخش از سه جهت حائز اهمیت است؛ اول، امکان و ابزار مبارزه را با ابرقدرت‌ها به‌عنوان سردمداران نظام سلطه فراهم می‌سازد. به‌عبارت‌دیگر یکی از راهکارها و سازوکارهای استکبارستیزی حمایت از ملت‌ها و نهضت‌هایی است که علیه آن می‌جنگند. دوم، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش وسیله‌ای برای مبارزه با دولت‌های دست‌نشانده و وابسته به استکبار جهانی و رهایی ملت‌ها به شمار می‌رود. سوم، از طریق نهضت‌های رهایی‌بخش می‌توان انقلاب اسلامی را به ملت‌های مشتاق صادر کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۳۵۶-۳۵۵).

۳- رهبری محور مقاومت به‌عنوان ائتلافی ضد غربی و ضد آمریکایی

ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی، قلب خاورمیانه است. پیشینه فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن و هم‌چنین قابلیت‌های اقتصادی و عملی ایران موجب تأثیرگذاری بالقوه هرچه بیش‌تر در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است. با بروز تحولات جدید در منطقه بی‌تردید جایگاه و اهمیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران افزایش پیدا کرده است و نادیده گرفتن مسئله به ضرر نظام امنیت منطقه‌ای است. (مظاهری، ۱۳۹۸: ۱۰۱) یکی از مهم‌ترین پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مقابله با ترتیبات سیاسی آمریکا در منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی از طریق شکل‌گیری و تقویت محور مقاومت بود. محور مقاومت اصطلاحی سیاسی است که نخستین بار توسط روزنامه لیبایی (الزحف الأخضر) در مقابل اصطلاح محور شرارت که توسط جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۲ مطرح گردید، عنوان شد و در آن ذکر شده بود که کشورهایی که رئیس‌جمهور آمریکا از آن‌ها با عنوان «محور شرارت» نام می‌برد، در اصل کشورهای «محور مقاومت» در مقابل آمریکا و تلاش آن برای سلطه‌گری بر سایر کشورها محسوب می‌شوند. البته محور مقاومت با حضور تهران، دمشق، حزب‌الله و حماس که دفاع از آرمان فلسطین و مقابله با نظام سلطه را در دستور کار خود دارند در مقابل محور سازش به رهبری ریاض و قاهره که طرفدار منافع غرب و حفظ وضع موجود می‌باشند، قرار می‌گیرند (کریمی، ۱۳۹۶: ۳-۲). محور مقاومت به‌عنوان تنها مخالف حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا با در پیش گرفتن سیاست‌ها و اقداماتی همچون ضدیت با رژیم صهیونیستی، مخالفت با محافظه‌کاری عربی و شکل‌پوسیده حکومت‌داری آن، مخالفت با حضور آمریکا در منطقه،

- اعتقاد به ابزار نفت برای فشار بر غرب، حمایت از آرمان فلسطین، پذیرش نقش فراموش شده مردم در تعیین سرنوشت خود، قدرت گرفتن اقلیت‌های شیعی در دموکراسی‌های جایگزین و احیای تفکرات دین‌محور و رشد حرکت‌های اسلام‌گرایانه در قالب ترویج بیداری اسلامی در سطح افکار عمومی منطقه، ایران توانسته است در برابر محور رقیب سازش، به مرور روسیه را نیز به‌عنوان قدرتی میانه یا متوسط به همکاری با محور مقاومت به رهبری ایران در بحران سوریه، عراق و تا حدودی یمن از سال ۲۰۱۴ سوق دهد. با توجه به نوع جهان‌بینی رهبران انقلاب اسلامی و قانون اساسی ایران، تهران خود را به‌عنوان رهبر محور مقاومت و رهبر ائتلافی ضد غربی و آمریکایی به‌ویژه در سطح منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا از سال ۲۰۰۳ به این سو مطرح کرده است. در این نگاه ایران سه هدف را دنبال می‌کند:
۱. تغییر نظم انگلیسی و آمریکایی حاکم در قرن بیستم و تبدیل آن به خاورمیانه اسلامی در سال‌های آتی. در این نگاه، غرب آسیا و شمال آفریقایی مستقل و ضدگفتمان هژمون قدرت‌های بزرگ مطرح است؛
 ۲. تبدیل ایران به‌عنوان قدرت اول منطقه‌ای و حرکت به سمت هژمونیک شدن گفتمان انقلاب اسلامی؛
 ۳. رسیدن به تمدن نوین اسلامی با محوریت ایران (عابدی گناباد و آرمان طاهری، ۱۳۹۷: ۳۰).

نتیجه‌گیری

آمریکاستیزی را چه به‌عنوان نگرش یا انگیزش منفی نسبت به آمریکا بدانیم و چه به‌عنوان واکنش و اقدام تقابلی گرایانه، مقوله‌ای است که از یک سو متوجه جنبه‌های منفی فرهنگ و تمدن آمریکایی است و از سوی دیگر سیاست‌ها و اقدامات نامطلوب آن را هدف می‌گیرد؛ و این ستیزش در سطح جهانی، نه در یک کشور یا منطقه خاص، از قرن هجدهم ظهور و شدت یافته است. آمریکاستیزی در جهان اسلام بیشتر واکنشی به سلطه‌گری و استعمار این کشورها از سوی آمریکا و تلاش برای رهایی بوده است. در این میان، می‌توان از نقش پیروزی انقلاب اسلامی و احیای اسلام‌گرایی نیز به‌عنوان یکی از علل رشد آمریکاستیزی در این منطقه یاد کرد. ایران که در دوره سلطنت پهلوی به کشور متحد و تحت سلطه آمریکا تبدیل شده بود، با پیروزی انقلاب اسلامی، موضعی ضدآمریکایی گرفت و با هرگونه سیستم امنیتی غرب در منطقه به مخالفت برخاست؛ و اگرچه ریشه‌های آمریکاستیزی در ایران به تجربه نامطلوب ایرانیان از روابط و در واقع سلطه قدرت‌های خارجی برمی‌گردد، اما آمریکاستیزی

در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آشکار گردید. و از آنجا که آمریکاستیزی جمهوری اسلامی ایران بر بنیان استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی قرار داشت، به صورت فراملی و جهانی اعمال گردید. تبلیغ جهان‌بینی توحیدی و تمدن اسلامی، الگوسازی برای مقاومت در برابر ظلم و حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش و هم‌چنین رهبری محور مقاومت به‌عنوان ائتلافی ضد آمریکایی مصادیقی از آمریکاستیزی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی است. اینکه آمریکاستیزی جمهوری اسلامی ایران در شرایط افول آمریکا و پایان گفتمان لیبرال دموکراسی چگونه خواهد بود، خاتمه می‌یابد یا ادامه خواهد داشت؟ پرسش‌های برآمده از یافته‌های این نوشتار است که می‌تواند ایده‌نگارش پژوهشی نوین در آینده باشد. شاید به نظر برسد با افول آمریکا دیگر آمریکاستیزی این کشور معنایی نداشته باشد و به پایان برسد و شاید بتوان گفت آمریکاستیزی به گونه‌ای دیگر و بر بنیان استکبارستیزی‌اش به صورت صهیونیسم‌ستیزی استمرار و تکامل یابد. در ادامه، برای وضوح هرچه بیشتر مطالب و مواردی که در طی مقاله مطرح گردید، مطالب به صورت نمودار درختی در زیر آورده می‌شود.



نمودار ۱. چراغی و چگونگی آمریکاستیزی در جمهوری اسلامی ایران

منابع

فارسی

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲)، کودتا: ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- اختر شهر، علی (۱۳۸۸)، ارتباط ایران و آمریکا، تهران: کانون اندیشه جوانان.
- الهی، همایون (۱۳۷۸)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: قومس.
- امام جمعه‌زاده، سید جواد و دیگران (۱۳۹۸)، «ایران فرهنگی: تعامل یا تقابل با هویت غرب»، مجله غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۳۷-۱۵.
- امیری، سروش (۱۳۹۷)، «نسبت دگرگونی‌های منطقه غرب آسیا با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم، صص ۱۲۰-۹۵.
- بخشی نیکو، محمدرضا (۱۳۹۳)، اقتدار فزاینده حزب‌الله لبنان و چالش کشورهای عربی، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- بویل، فرانسیس آنتونی (۱۳۹۰)، برهم زدن نظم جهانی: امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه؛ پیش و پس از ۱۱ سپتامبر، ترجمه کیانوش کیاکجوری و علی جعفری منفرد، انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهمن، شعیب (۱۳۹۱)، تمدن ایرانی - اسلامی از افول تا احیا، تهران: انتشارات تیسرا.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۱)، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها، تهران: انتشارات سمت.
- تهامی، مجتبی و دیگران (۱۳۸۰)، سیاست آمریکا در قبال ایران طی دوران جنگ تحمیلی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «تحولات و ساختار منطقه خاورمیانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۲۰۳-۲۳۷.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۷)، «انقلاب اسلامی و جمهوریت»، در مجموعه مقالات همایش جمهوریت در انقلاب اسلامی، تهران: گروه انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- حق‌گو، جواد (۱۳۹۸)، «ظرفیت‌های نرم‌فزان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه ایران فرهنگی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۴، صص ۱۹۶-۱۷۳.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۴)، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30716>
- دانشور محمدزادگان، فاطمه، (۱۳۹۱)، کاربست توازن‌طلبی نرم در رویکرد اروپا نسبت به آمریکا پس از جنگ سرد؛ با مطالعه موردی سیاست خارجی و دفاعی اروپا و پرونده هسته‌ای ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه فردوسی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.

- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، *بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۲)، *تهدیدات اسرائیل علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، اندیشه انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۶، صص ۲۵۲-۲۳۳.
- رهدار، احمد (۱۳۸۶)، «انقلاب اسلامی، پایگاه گذار از سیطره گفتمانی غرب»، *فصلنامه پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال سوم، شماره ۸، صص ۸۴-۴۵.
- ساداتی نژاد، سید مهدی و ترکرانی، افشین (۱۳۹۳)، «بررسی مناقشه انقلاب اسلامی و آمریکا در مباحث حقوق بشر بر اساس رهیافت رئالیسم و سازه‌نگاری»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۵۱-۶۹.
- ستوده، محمد (۱۳۸۶)، *تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان کتاب.
- سلیمی‌بنی، صادق (۱۳۸۴)، *ارمغان دموکراسی: جهت‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲ - ۱۳۵۷ (۲۰۰۳ - ۱۹۷۹)*، قم: دفتر نشر معارف.
- سیک، گری (۱۳۸۴)، *همه چیز فرو می‌ریزد*، ترجمه علی بختیاری، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عابدی گناباد، رضا (۱۳۹۶)، *گفتمان جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و چالش‌های پیش‌رو*، رساله دوره دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، مشهد، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع).
- عابدی گناباد و آرمال طاهری، حجت (۱۳۹۷)، *گفتمان جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و شمال آفریقا*، تهران: گروه آموزشی مدرس، سنجش و دانش.
- عابدی گناباد، رضا (۱۳۹۹)، *لیبرال دموکراسی آمریکا از هژمونی تا افول*، مشهد: طنین قلم.
- عبداللهی نژاد، محمد شمس‌الدین، متقی، ابراهیم، (۱۳۹۸)، «واکاوی اندیشه مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، سال سیزدهم، شماره ۴۶، صص ۳ تا ۲۲.
- عزیزی بساطی، مجتبی (۱۳۹۱)، *دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- غضنفری، کامران (۱۳۸۰)، *آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات کیا.
- فتح، زیگرید، (۱۳۸۸)، *آمریکاستیزی در جهان اسلام*، ترجمه حسن سعیدکلاهی و احمد تقی‌زاده، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قنبرلو، عبدالله (بهار ۱۳۸۷)، «اسرائیل و استمرار تنش میان ایران و آمریکا»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال یازدهم، شماره ۳۹، صص ۱۶۴-۱۳۵.
- کاتزنشتاین، پیتر، وکیوهن، رابرت اُ (۱۳۹۵)، *ضدیت با آمریکاگرایی در سیاست جهان*، ترجمه حسن سعیدکلاهی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کردان، عباس (۱۳۹۰)، *درآمدی بر استراتژی‌های امنیت ملی ایالات متحده*، در کتاب آمریکا (۱۰) ویژه بررسی اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا پس از جنگ سرد، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.

- کالاهان، پاتریک (۱۳۸۷)، *منطق سیاست خارجی آمریکا: نظریه‌های نقش جهانی آمریکا*، ترجمه داود غرایاق زندی و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کالینیکوس، آکس (۱۳۸۶)، *مانیفست ضد سرمایه‌داری*، ترجمه‌ی ناصر زرافشان، تهران: انتشارات آگاه.
- کریمی‌فرد، حسین (۱۳۹۴)، «بررسی و نقد سیاست خارجی اوباما»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۵۷-۱۸۴.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، *نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت*، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۰.
- کشاوری شگری، عباس (۱۳۹۲)، «علل گسترش شیعه‌هراسی و راهکارهای مقابله با آن»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۱۷۴-۱۳۷.
- کمپ، جفری (۱۳۸۷)، «ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران: گام‌های بعدی مربوط به معضل هسته‌ای»، در *مجموعه مقالات ایران و مسئله هسته‌ای*، ترجمه شهرداد انتخابی تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- کیوان‌حسینی، اصغر (۱۳۸۹)، «نظریه ضد‌آمریکاجرای، روند تحول از ژورنالیسم تا نظریه علمی با تأکید بر ضد‌آمریکاجرای اروپایی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره ۳، صص ۱۲۷-۱۵۶.
- کیوان‌حسینی، سید اصغر (۱۳۸۸)، *لایه یهود و سیاست خارجی آمریکا (با تأکید بر تصویرسازی لابی یهود علیه ایران)*، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- کیوان‌حسینی، سید اصغر و دانشورمحمدزادگان، فاطمه (۱۳۹۷)، *تقابل‌گرایی اروپا با آمریکا: از پیدایی آمریکا تا بعد از یازدهم سپتامبر*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- گارودی، روزبه (۱۳۸۱)، *آمریکاستیزی چرا؟*، ترجمه جعفر یاره، تهران: انتشارات باشگاه اندیشه.
- گازیوروسکی، مارک، ج (۱۳۷۱)، *سیاست خارجی آمریکا و شاه*، ترجمه جمشید زنگنه، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، *بررسی الگو و فرایند تقابل‌گرایی آمریکا علیه ایران در سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۷۹*، راهبرد، شماره چهل و هفتم.
- متقی، ابراهیم (۱۳۷۹)، «تأثیر تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال سوم، شماره ۹، صص ۶۳-۴۴.
- محمدی، حمزه (بهار ۱۳۸۵)، «درآمدی بر جنبش‌های اجتماعی»، *زریبار*، سال ۱۰، شماره ۶۰، صص ۳۰-۱۱.
- مرتضوی امامی، علی (۱۳۸۹)، «جنگ نرم، صورت و سیرت انقلاب اسلامی»، *فصلنامه پژوهش فرهنگی*، سال دوازدهم، شماره دوازدهم، صص ۱۲۵-۱۵۷.
- مطیع‌فر، محمد (۱۳۸۹)، *بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی آمریکا در دوره کلیتون و بوش*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

- مظاهری، محمدمهدی، (۱۳۹۸)، «نقش و جایگاه ایران در سیستم امنیتی خلیج فارس»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول، صص ۸۷-۱۰۹.
- میرلوحی، هاشم (۱۳۸۰)، آمریکا بدون نقاب، تهران: انتشارات کیهان.
- میری کلاه‌کج، فاطمه و دانشورمحمدزادگان، فاطمه (۱۳۹۴)، «اخلاق‌گریزی آمریکا و کشورهای غربی در پرونده هسته‌ای ایران»، فصلنامه دیپلماسی دفاعی، سال چهارم، شماره ۷، صص ۱۷۴-۱۵۷.
- نصری، محسن (۱۳۹۱)، ایران دیروز، امروز، فردا؛ تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف.
- نوازنی، بهرام (۱۳۸۳)، الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- واعظی، حسن (۱۳۷۹)، ایران و آمریکا، تهران: انتشارات سروش.
- هایزر، رابرت (۱۳۶۶)، مأموریت مخفی در تهران، ترجمه محمدحسین عادل، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۱۴، صص ۱۳۹-۱۶۴.

لاتین

- Asadzade, peyman, (2019), "Faith or Ideology? Religiosity, Political Islam, and Anti-Americanism in Iran", *Journal of Global Security Studies*, Volume 4, Issue 4, October 2019, Pages 545-559, <https://doi.org/10.1093/jogss/ogy038>
- Bennis, Phyllis,(2020), Sanctions in the era of pandemic, Al Jazeera Media Network: <https://www.aljazeera.com/indepth/opinion/sanctions-era-pandemic>
- Ceaser.W.James,(2003), "A Genealogy Of Anti- Americanism", *public interest*, No.152.
- Hatlapa, Ruth; Markovits, Andrei (2010). "Obamamania and Anti-Americanism as Complementary Concepts in Contemporary German Discourse". *German Politics and Society*. 28 (1): 69-94.
- Katzman,Kenneth (2015), Iran's Foreign Policy, Specialist in Middle Eastern Affairs, Congressional Research Service.
- Krause Christopher,(2010), "the sources of anti-americanism in iran: a historical and psychological analysis", *Valley Humanities Review*.
- Krastev,Ivan (2004), "The Anti-American Centtury?" *Journal of Democracy*, vol 15, No 2.
- Moisesnaim, (2003), the perils of anti-americanism life, foreign policy.
- Nephew,richard, (2017), *The Art of Sanctions: A View from the Field*, new York: Columbia university press (Center on Global Energy Policy).
- Oconnor,Brendon, (2007), A Brief History Of Anti-Americanism:From Cultural Criticism To Terrorism, *australian journal of American studies*.

وبگاه‌ها

- سالاری، مسعود، (۱۴۰۰)، «جنجال لغو فروش زیردریایی‌های اتمی؛ فرانسه: انتقام بگیرد»، یورونیوز، قابل دسترس از طریق لینک زیر:
- <https://per.euronews.com/23/09/2021/france-to-get-revenge-on-the-us-uk-australia-after-it-was-ditched-from-submarine-contract>

https://books.google.com/books/about/The_Art_of_Sanctions.html?id=HIg_DwAAQBAJ&printsec=frontcover&source=kp_read_button#v=onepage&q&f=false



Definition of anti-Americanism, Reasons and forms in the Islamic Republic of Iran

Fatemeh Daneshvar Mohammadzadegan

Reza Abedi Gonabad

Fatemeh Miri Kolahkaj

ABSTRACT

Long-standing anti-Americanism thinking Which was first revealed in opposition to American culture and civilization; And later in opposition to the policies of this country It did not have a specific geographical area And it has intensified in many countries. But anti-Americanism in the Islamic Republic of Iran had global reflection more than any other country. After the overthrow of the Pahlavi monarchy and the victory of the Islamic Revolution in Iran, Foreign relations between Iran and the United States changed from interaction to confrontation. The main question of the article is "Why was anti-Americanism formed in the Islamic Republic and how does this opposition take place?" In response, the authors sought to provide a comprehensive and transparent answer to these two questions while defining and analyzing anti-American genealogy using descriptive and analytical methods. Findings show that on the one hand, the conflict between worldview and ideology has caused a negative attitude and motivation towards American culture and civilization. On the other hand, the hostile actions of the United States have provoked a reaction from the Islamic Republic of Iran. But this anti-Americanism is nonviolent and rooted in the goals of the Islamic Revolution and means confronting oppression at the regional and global levels.

Keyword: *Anti-Americanism, Islamic Republic of Iran, Ideology, Civilization.*